

# فرهنگستان و واژگان مصوب و پیشنهادی بلدیہ (۱۳۱۴ - ۱۳۲۰ ش.) (۵)

## محسن روستایی

تأسیس شد.<sup>(۲)</sup> لیکن این تلاش نیز همانند بسیاری از دیگر تلاشهایی که در آن سالها برای اصلاحات اساسی در کشور مبذول شد به نتیجه شایسته‌ای نرسید چرا که مداخلات خارجی بی‌درپی و اغتشاشهای داخلی مکرر فرصت و فراغتی برای اجرای این گونه اصلاحات برجای نگذاشت.<sup>(۳)</sup>

از این رو بلدیہ بطور رسمی در زمان احمدشاه قاجار فعالیت خود را آغاز کرد و با سی عضو شامل: بیست و پنج رفتگر (سپور) چهار نفر سرسپور و یک رئیس، نظافت شهر را به عهده گرفت. تا قبل از آن نظافت شهر به عهده خود سکنه بود که هر کس جلوی خانه و دکان خود را بنا به سنت آب و آجداش تمیز نماید.<sup>(۴)</sup>

پس از کودتای ۱۲۹۹ و اشغال پست نخست‌وزیری توسط سیدضیاءالدین طباطبایی تغییرات مشخصی در امور بلدیہ کشور و بویژه بلدیہ تهران بوجود آمد. اولین اقدام سیدضیا این بود که برای سروسامان دادن به بلدیہ، اعضای جدیدی را به خدمت گرفت. وی بنایی را به نام «بلدی تهران» در شمال میدان توپخانه<sup>(۵)</sup> بنیان گذاشت و با ایجاد تشکیلات اداری، سپورها و رؤسای آنان را مجبور به انجام وظایف خود در امور شهر نمود و بر این اساس قوانینی را در نود و چند ماده برای رسیدگی آنان به نظافت و روشنایی شهر، مواخذہ و جریمه خاطیان، خانه‌دارها، کسبه و متخلفین از قوانین و ... تدوین نمود.<sup>(۶)</sup>

بدنبال تأسیس بنای بلدی تهران در سال ۱۳۰۰ ش. بلدیہ تهران طبق تشکیلات مصوبه سوم برج حمل ۱۳۰۰ ش. با چهارده ماده و رسماً شروع به کار کرد. ماده دوم از این قوانین شامل: تشکیلات اداری بلدیہ تهران و دوایر جزو بود. سه اداره مرکزی - محاسبات - معاونت عمومی، از ادارات اصلی بلدیہ به شمار می‌رفتند.<sup>(۷)</sup>

در ۴ مرداد ۱۳۰۳ ش. رضاخان سردار سپه سرهنگ کریم آقاخان بوذرجمهری که یکی از اعضای قدیمی قزاقخانه و از افراد مورد اعتماد

مقدمه: در این مقاله، واژگان و اصطلاحات بلدیہ مورد نظر است که فرهنگستان ایران برخی از آنان را مورد تصویب قرار داده و تعداد زیادی از این لغات تغییر نیافته و در حد پیشنهاد باقی مانده‌اند. اسناد نویافته گویای این مطلب است که واژگان مورد نظر به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته آن واژگانی هستند که جزو اصطلاحات بلدی محسوب می‌شوند و بیشتر مورد کاربرد آن مؤسسه بوده است و دسته دیگر لغات عمومی که شامل اسامی صاحبان حرفه و صنعت، کسب و تجارت است که در فعالیتهای خود با بلدیہ ارتباط مستقیم و تنگاتنگ داشته‌اند. منشأ اغلب این واژگان هر (دودسته) اداره بلدیہ بوده است که از آن طریق به نخستین فرهنگستان ایران پیشنهاد شده است. لیکن به نسبت، تعداد کمی از آنان تا شهریور ۱۳۲۰ ش. به تصویب فرهنگستان رسیده است. در این مجال لازم می‌دانم ضمن بیان مختصری از تاریخچه بلدیہ، علاوه بر لغات مصوب، لغات پیشنهادی بلدیہ و غیر مصوب را بیان دارم که تا حدی نشانگر کاربرد و یا عدم کاربرد این واژگان در تاریخ زبان فارسی و تاریخ معاصر ایران باشد.

## تاریخچه‌ای از بلدیہ

پس از استقرار مشروطیت در دوره اول مجلس، بتدریج افراد و مؤسساتی برای اداره و تنظیم امور شهری و ولایات معین شدند. مهمترین و جامع‌ترین اقدامی که درین زمینه صورت گرفت تصویب «کتابچه قانون» در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق. از سوی مجلس شورای ملی بود با تصویب این کتابچه که مشتمل بر ۱۰۸ ماده می‌شد زمینه قانونی مناسب و جامعی برای اجرای اصلاحات شهری و یا به تعبیر ماده اول آن، «برای حفظ منافع شهرها و ایفای خواجیح اهالی شهرنشین و ... فراهم شد.<sup>(۱)</sup> و اداره بلدیہ به ریاست، «دکترخلیل‌الدوله ثقفی» در عمارتی واقع در سبزه میدان تهران



### کریم آقاخان بوذرجمهری (سرهنگ) کفیل بلدیہ

محل عبارت است از اداره بلدیہ و انجمن بلدی. ۳- اداره بلدیہ از طرف وزارت داخلہ تشکیل می شود و انجمن بلدی بہ انتخاب اهالی محل. از جملہ وظایف انجمن بلدی نیز این بود کہ انجمن، نظارت بر جمع و خروج عواید و عوارض بلدی و ... را عہدہ دار است. (۱۶)

بدنبال آتش سوزی در مجلس شورای ملی (ہجده مہرمہ ۱۳۱۰ ش.) بلدیہ تہران وارد عمل می شود و برای اطفاء حریق اتومبیل های اطفائیہ و مأموران آن ادارہ و کارکنان دایرہ احتسابیہ بلدیہ و عدہ ای از آژانہای ناحیہ دولت و ... بہ تلاش افتادند. اتاق بزرگ تنفس و سرسرای پارلمان و اتاق آیینہ بہ کلی سوخت. خسارات وارده حدود ۵۰۵۱۱ تومان برآورد گردید سرتیپ کریم آقاخان رئیس بلدیہ، در تمام مدت اطفاء حریق نظارت داشت. (۱۷) وی در پانزدہم شهریور سال بعد (۱۳۱۱ ش.) ہتل بلدیہ تہران را با حضور وزرا و رجال سیاسی افتتاح کرد و در سال ۱۳۱۲ ش. (بیست و پنج دی ماہ) سرہنگ فضل الہ بہرامی بہ کفالت بلدیہ تہران منصوب شد و کریم آقاخان برای معالجہ بہ اروپا رفت. (۱۸)

با توسعہ و پیشرفت شہر در سال ۱۳۱۳ ش. عملیات توسیع و احداث معابر - خیابان سازی و ساختمان بلدیہ تہران از آغاز فروردین ماہ الی اواخر آبانماہ شامل موارد زیر می شد:

الف - توسعہ و احداث معابر: ۱- توسعہ چندین کوچہ در امتداد خیابان علاءالدولہ ۲- سنگ فرش شوسہ. ۳- آسفالت ریزی شوسہ. ۴- پیادہ رو سازی. ۵- شن ریزی و تسطیح معابر.

ب - ساختمان سازی در شہر و شمیران: ۱- درین سال ساختمان تئاتر را شروع نمودہ کہ مساحت زیربنای آن بالغ بر ۳۵۰۰ متر و گنجایش ۱۲۰۰ نفر تماشاچی را داشت. نمای این ساختمان از سنگ مرمر با سنگ کامل جدیدی ساختہ می شد. ۲- بطور متفرقہ: ساختمان یک دستگاہ گل خانہ در ۱۶ دستگاہ. ۳- ساختمان محل آتش یاری در خارج شہر. ۴- ساختمان چند باب مستراح مردانہ و زنانہ در باغ ملی. ۵- محصور نمودن قبرستان خارج دروازہ حضرت عبدالعظیم و ....

رہساختان بود و پس از کودتای نظامی ۱۲۹۹ بہ ریاست ادارہ قشون منصوب شدہ بود<sup>(۸)</sup> را بہ کفالت کل بلدیہ برگزید.<sup>(۹)</sup> پس از انتصاب کریم آقاخان، بلدیہ تہران تقریباً خصلتی نظامی یافتہ بود و بہ تعبیر «مجلہ بلدیہ» در همان روزگار: مؤسسہ بلدیہ همچون کشتی طوفان زدہ ای بود کہ کریم آقاخان تا حدی جراحات مہلک آن را درمان کرد.<sup>(۱۰)</sup>

با این توصیف ایجاد ساختار تشکیلاتی، زمینہ مساعدی را برای فعالیت های شہری بلدیہ ایجاد نمود تا جایی کہ بہ مرور زمان و در سال ۱۳۰۴ ش. تشکیلات بلدیہ شکل کاملتری بہ خود گرفت و سہ ادارہ: ساختمان مہندسی و تنظیم، ارزاق و امور خیریہ با دوایر و شعب مربوط بہ خود ضمیمہ سہ ادارہ اصلی: مرکزی، صحیہ و معاونت و محاسبات شدند و نواحی تحت پوشش بلدیہ (شامل: ۴ ناحیہ و زاویہ مقدسہ و شمیران) نیز صورت کاملتری بہ خود گرفتند.<sup>(۱۱)</sup> و در ہمین سال بود کہ بلدیہ برای اولین بار چند خیابان تہران را با چراغ الکتریکی روشن ساخت. خیابانہایی کہ مطابق اسلوب جدید سیم کشی و روشن شدند عبارتند از: ناصریہ - علاءالدولہ - باب ہمایون - چراغ گاز - اسلامبول و چند خیابان دیگر.<sup>(۱۲)</sup>

در سال ۱۳۰۶ ش. نیز برخی دیگر از نواحی محلی تحت پوشش ناحیہ های ۴ گانہ قرار گرفتند و در آن زمان تمامی آنها از امکانات سجد و احوال، میاہ، روشنائی، تنظیم، ارزاق، ساختمان و ... برخوردار شدند و با توسعہ خیابانہا نیز آسفالت آنان آغاز شد.<sup>(۱۳)</sup>

در سال ۱۳۰۷ ش. و در زمان کفالت کریم آقاخان کہ بہ درجہ سرتیپی ہم نایل شدہ بود تغییرات اساسی در مؤسسہ بلدیہ صورت پذیرفت و ساختمانہای شہری فعالیت، ادارہ خیریہ، مریضخانہ بلدی، دارالمجانین و پستہای امدادی روبہ توسعہ گذاشتند. و سرویس اطفائیہ بلدیہ نیز در بیست و پنجم دی ماہ ہمین سال تأسیس شد.<sup>(۱۴)</sup>

در سال ۱۳۰۸ ش. بلدیہ عراق (اراک) و قزوین ضمیمہ بلدیہ مرکز شد و در ہمین سال بود کہ وسایل و ماشینہای آتش نشانی از شرکت سہامی تجارتمی روس و آلمان خریداری شد و از طرفی ہم بلدیہ همانند سالہای قبل با توجہ بہ تشکیلات مشروحہ زیر بہ انجام اسورات شہری می پرداخت:

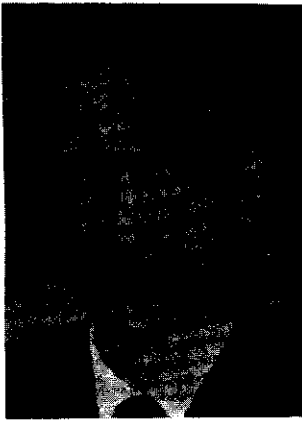
- ادارہ مرکزی: دایرہ کابینہ - شعبہ پرسنل - ضبط - ارسال مراسلات - قسمت صنعتی - نشریات - تشریفات - گارد بلدی - مباشرت.

- نواحی: ناحیہ شمال شرق، شمال غرب، جنوب شرق، جنوب غرب، زاویہ مقدسہ، شمیران و کرج.

- ادارہ صحیہ عمومی: دایرہ پرورشگاہ، پست های امدادی، دارالرضاعہ، زایشگاہ، مریضخانہ، دارالمجانین، دایرہ فنی، دایرہ روشنائی، قسمت اطفائیہ، قسمت نقلیہ، قسمت میاہ.

- محاسبات: شعبہ ملزومات، محاسبات میاہ، ادارہ ارزاق و اصناف، دایرہ احصائیہ، ادارہ تفتیش، بلدیہ قزوین، بلدیہ عراق (اراک).<sup>(۱۵)</sup>

سال ۱۳۰۹ ش. در تاریخ بلدیہ نقطہ عطفی است کہ با مطرح شدن انجمن بلدی تشکیلات بلدیہ با انجام و تعاریف جدیدی روبرو می شود. در قانون ۱۳۰۹ ش. آمدہ است: ۱- بلدیہ مؤسسہ ای است ملی کہ مقصود از تشکیل آن حفظ منافع شہرها و تأمین حوائج عمومی و تہیہ آسایش اهالی و کلیہ احتیاجات شہری در حدود مقررات این قانون است. ۲- بلدیہ ہر



غلامعلی رعدی آذرخشی

الفاظی که برای این مشاغل در زبان محاوره و روزمره به کار می‌رفت نامأنوس و در برخی مواقع ناهماهنگ با شغل مورد نظر بود و بسیاری از آنان نیز ریشه عربی داشتند. از این رو فرهنگستان به فکر افتاد که برای پیرایش و اصلاح بخش بیشماری از این واژگان ارتباط علمی - فرهنگی و اداری خود را با بلدیة بیشتر کند و مأمورین آن موسسه را که با امورات اصناف و کسبه و پیشه‌وران ارتباط تنگاتنگ داشتند ترغیب نماید که با دقت هر چه تمامتر، از اصناف و کسبه و پیشه‌وران کلیه لغات و اصطلاحات و تعبیرات مربوط به کار و پیشه آنها تحقیق شود. و با ذکر معنی و مفهوم آنها بدون اظهار نظر و عیناً به دارالانشای فرهنگستان فرستاده شود. مثلاً از یک نفر نجار یا بنا یا آهنگر لغات مربوط به کار و ابزار و متعلقات پیشه نجاری یا آهنگری سؤال شود. و لغاتی که آنها اظهار داشته‌اند و تعریفی که از این لغات و اصطلاحات می‌کنند قید گردد. چون جمع‌آوری این لغات و اصطلاحات در امر وضع و اختیارات لغات جدید برای موسسه بلدیة و شعب و دوایر و وظایف آن ذی‌مدخل (و حیاتی) است از بلدیة می‌خواهد این کار با نهایت سرعت و دقت انجام گرفته و نتیجه [اش] به دارالانشا اعلام شود. (۲۹)

بلدیة، پیشنهاد فرهنگستان ایران را بخوبی مدنظر قرار داده و در تاریخ سی‌ام شهریور ماه ۱۳۱۴ صورتی از اصطلاحات مربوط به اصناف و مشاغل را تهیه و به انجمن فرهنگستان می‌فرستد و در فاصله هفده روز بعد کمیسیونی را با عضویت نماینده اداره فنی، نماینده اداره صحیة، نماینده اداره امور مالی و محمدقوامیان رئیس دایرة احصائیه تشکیل می‌دهند. (۳۰) و در آن کمیسیون تصمیم گرفته می‌شود که یک نماینده از طرف اداره ارزاق، یک نفر از طرف دایرة احصائیه و یک نفر نماینده از طرف تفتیش کل مأمور شوند که طبق درخواست دارالانشای فرهنگستان به نحو مقتضی صورت آلات و ابزار هر یک از صنوف را تهیه نمایند و نمایندگان مذکور موظفند در تحت تعلیمات محمدقوامیان رئیس احصائیه بلدیة امر مزبور را انجام دهند. (۳۱)

پس از تهیه و ارسال اصطلاحات مربوط به اصناف و مشاغل و صورت‌آلات و ابزار بوسیله مأموران محمدقوامیان به فرهنگستان، غلامعلی رعدی آذرخشی رئیس دارالانشای فرهنگستان پیرامون این موضوع اظهار می‌دارد: همگی لغاتی که از سوی آن موسسه برگزیده شده مطابق با منظور فرهنگستان نیست و بایستی این امر بوسیله چند نفر از

ج - احداث میادین و باغچه‌ها شامل: ۱ - ساختمان پل تجریش. ۲ - احداث میدان دروازه یوسف‌آباد به شکل مربع مستطیل به عرض ۷۲ گز و طول ۱۸۳ گز که در وسط آن باغچه‌بندی شده بود. ۳ - احداث میدان دروازه دولت به شکل مربع مستطیل به عرض ۷۰ و طول ۱۷۰ گز که در وسط آن باغچه‌بندی شده است. (۱۹)

توسعه و گسترش شهر باعث می‌شد که بلدیة نیز حوزه فعالیت و انجام وظایف خود را بیشتر نماید بطوری که به مرور و در سال ۱۳۱۵ تعداد نواحی و بخشهای بلدیة (شهرداری) به هشت بخش رسید بعلاوه در شهری و شمیران هم در بخش عهده‌دار وظایف شهرداری شدند در سال ۱۳۱۹ برای آنکه بخشهای مذکور تا حدی استقلال و آزادی عمل داشته باشند به چهار برزن کامل تبدیل گردیدند که هر یک وظیفه شهرداری را انجام می‌دادند. (۲۰)

## فرهنگستان و بلدیة

پس از تصویب اساسنامه فرهنگستان در تاریخ بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۴ و شروع فعالیت رسمی این انجمن فرهنگی، (۲۱) فرهنگستان کمیسیون اصطلاحات پیشه‌وران را برای وظایف بند ۵ از ماده دوم اساسنامه (جمع‌آوری الفاظ و اصطلاحات پیشه‌وران و صنعت‌گران) (۲۲) جزو کمیسیونهای هفتگانه خود قرار داد و در میان این کمیسیونها، کمیسیونی مربوط به اصطلاحات بلدیة پیش‌بینی نشده بود. (۲۳) در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۱۷، فرهنگستان به دلیل ناسازگاری کمیسیونهای خود کمیسیونهای مزبور را به هشت کمیسیون تغییر داد و کمیسیون مربوط به اصطلاحات پیشه‌وران و صنعتگران با کمیسیون راهنما تلفیق شد و وظایف بند ۵ از ماده دوم اساسنامه فرهنگستان به عهده کمیسیون راهنما قرار گرفت. (۲۴) واژه‌های بلدیة هم از طریق همین کمیسیون و با کمیسیون عمومی و اداری و ... با توجه به بند ۲ و ۳ از ماده دوم وظایف فرهنگستان ایران (یعنی: اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در این که حتی الامکان فارسی باشد. و همچنین پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی) برگزیده می‌شد. (۲۵)

فرهنگستان در همان آغاز کار با تبدیل و تغییر واژه و نام «بلدیة به شهرداری» (دهم خرداد ماه ۱۳۱۴)، پیرایش و جایگزینی لغات مربوط به شهرداری را از واژگان نامأنوس و بیگانه دنبال می‌کند. (۲۶) و طی نامه‌ای که در تاریخ هجدهم شهریور ماه همان سال به امضای محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) اولین رئیس فرهنگستان ایران به اداره بلدیة ارسال می‌دارد از بلدیة تهران می‌خواهد که آن اداره فهرست جامعی از کلیه لغات و اصطلاحات مختلفه اداری و تشکیلاتی که در آن اداره مرسوم است با توضیحات کافی در اطراف معنی و مفهوم و مورد استعمال هر یک، تهیه و در اختیار دارالانشاء (دبیرخانه) فرهنگستان ایران قرار دهند (۲۷) و نیز یک نفر نماینده صلاحیت‌دار تعیین نمایند که هنگام تشکیل جلسات کمیسیون مربوط به این امر که از سوی فرهنگستان برقرار می‌شود شرکت و نقطه نظرات لازمه را در آن جابیان دارد. (۲۸)

در آن سالها جامعه ایرانی با مشاغل سنتی فراوانی روبرو بود. اسامی و

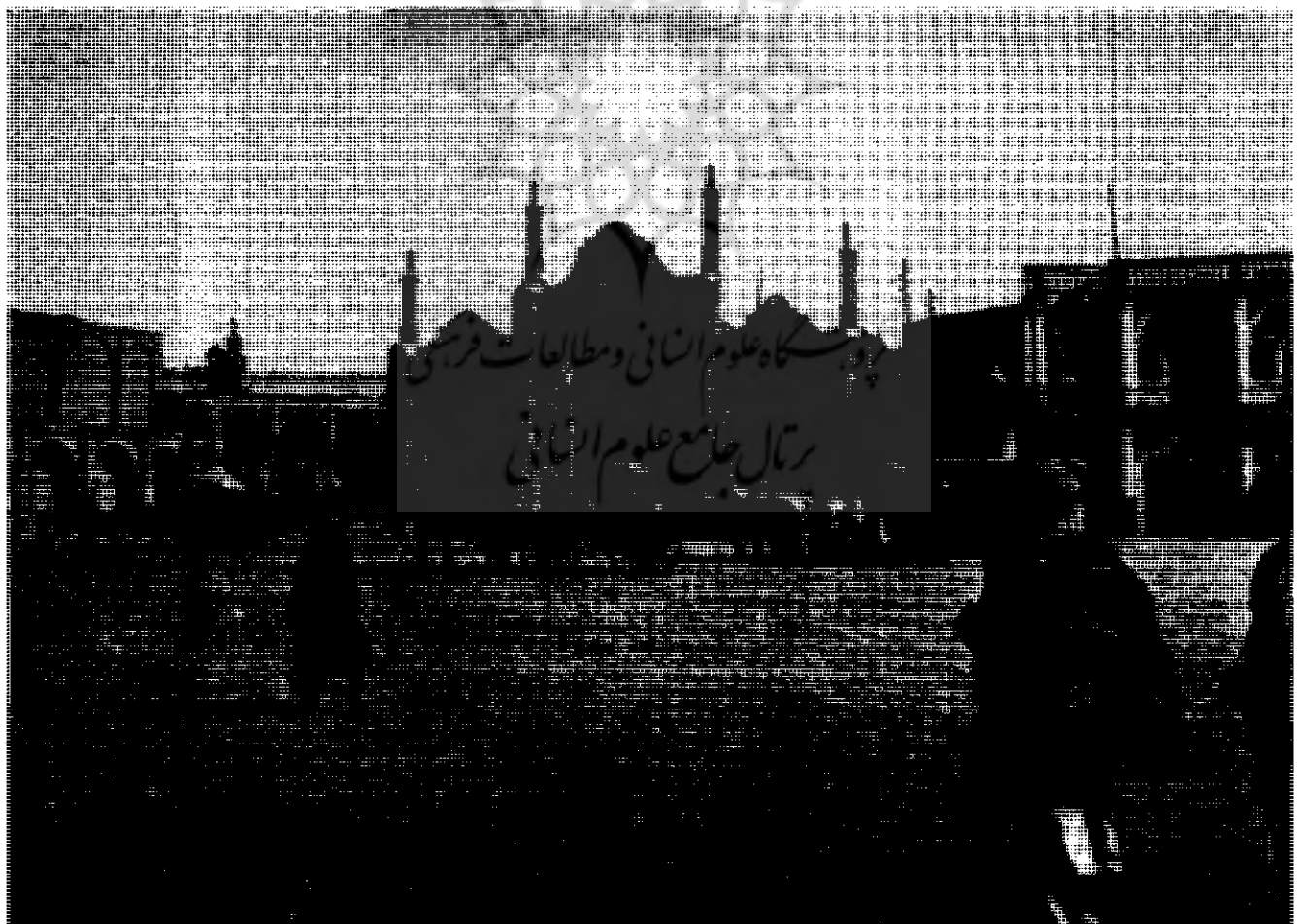
سقط فروش<sup>(۳۳)</sup> که معلوم نیست اجناس او به چه دلیل سقط نامیده می‌شود. یا خرازی فروش که به معنی (خراز - چرم دوز) نامیده شده یا قهوه‌چی که جز چای و قلیان چیز دیگری ندارد و امثالهم... از آن جهت در فهرست ضمیمه بدون اظهار نظر نوع کسب و پیشه، آلات و ابزاری که بکار می‌برند و شرح عملیات و معاملاتی آنها عیناً ذکر گردید. از نتیجه تصمیمات، این موسسه را نیز مطلع فرمایند.<sup>(۳۴)</sup>

علاوه بر انتخاب واژه‌ها و اصطلاحات اداری و کسبه و پیشه‌وران که فرهنگستان به عهده موسسه بلدیّه گذارده بود وظیفه دیگر بلدیّه بکارگیری لغات و نامهای خاص جدید و پیشنهادی راجع به نامهای جغرافیایی برای نقاط حوزه شهرداری و نام‌گذاری خیابانهای شهر تهران بود<sup>(۳۵)</sup> و تغییر اسامی بعضی از شهرها هم به عهده خود وزارت داخله گذاشته شده بود که این امر را با هماهنگی کمیسیون جغرافیایی و اصطلاحات فرهنگی به انجام برساند.<sup>(۳۶)</sup>

البته در انجام این وظیفه در مواردی مشاهده می‌شد که لغات و اصطلاحاتی را که بلدیّه و وزارت داخله برای نامهای خیابانها و یا شهرها انتخاب می‌کردند خالی از ایراد نبود و مورد قبول فرهنگستان واقع نمی‌شد از جمله وزارت داخله به دستور ذکاءالملک فروغی رئیس‌الوزرا طی بخشنامه‌ای، در تاریخ ۱۳۱۵/۶/۲۲، ادارات متبوع و از جمله بلدیّه تهران را آگاه می‌سازد که از فرهنگستان ایران نوشته شده است که از چندی به این طرف که بعضی از وزارتخانه‌ها و ادارات شروع به تغییر نامهای جغرافیایی

مأمورین دقیق و مطلع آن موسسه از اصناف و کسبه و پیشه‌وران، کلیه لغات و اصطلاحات و تعبیراتی مربوط به کار و پیشه آنها تحقیق شده و با ذکر معنی و مفهوم آنها و بدون اظهار نظر و عیناً به دارالانشای فرهنگستان فرستاده شود و منظور نظر فرهنگستان فقط ذکر اسامی صاحبان حرفه و صنعت نیست بلکه منظور کلیه اصطلاحات معموله و متداول بین هر یک از آن مشاغل بوده است؛ مثلاً در تحت عنوان صنعت آن اداره اسامی صاحبان صنایع را بدین نحو ذکر می‌نماید. نساج، علاقه‌بند، قلابدوز... الخ آنچه مورد احتیاج فرهنگستان می‌باشد لغات و اصطلاحات و تعبیراتی است که بین هر یک از این طبقات معمول است. بدیهی است از نظر فواید مهمی که این امر در اصلاح و توسعه زبان فارسی دارد آن اداره به مأمورین مربوط توصیه لازم را برای انجام این امر خواهند فرمود.<sup>(۳۲)</sup>

کفیل بلدیّه برای انجام مأموریت واژه‌گزینی مربوط به کسبه و اصناف توسط مأمورین آن موسسه به فرهنگستان می‌نویسد: «که مأمورین بلدیّه پس از مذاکره و تشکیل جلسات مابین نماینده بلدیّه (محمدقوامیان) و فرهنگستان، همزمان لغات و اصطلاحات و تعبیری که مربوط به پیشه و آلات و ادوات بوده با تحقیقات کامل از افراد کسبه و اصناف و صاحبان مشاغل آزاد تهیه و تدوین نموده که خلاصه آن در اوراق ضمیمه (ذیل همین اسناد) [به فرهنگستان ایران] ارسال شده است. در ضمن یادآور می‌شود بیشتر افراد کسبه و اصناف بین شغل و اسمشان مغایرت لفظی موجود نیست مگر تعداد اندکی از قبیل: عطار که ابداً عطر نمی‌فروشد یا



میدان توپخانه تهران

از مطالعه و اخذ تصمیم مراتب به عرض ریاست وزرا رسانیده شود. اینک راجع به موسسه شهرداری هر نوع مقتضی و مقرر می‌فرمایند مستدعی است دستور تنظیم و تهیه آن صادر شود که برای جلسه [بعد] کمیسیون فوق‌الذکر آماده و مهیا باشد.<sup>(۳۸)</sup>

با این وصف محتوای استاد نشانگر این مطلب است که بلدیته تهران در امر جایگزینی واژه‌های پیشنهادی فارسی به فرهنگستان ایران خیلی موفق نبود و با اینکه در مورد انتخاب لغات اداری و تشکیلات شهرداری و اصطلاحات مربوط به کسب و تجارت، تحقیقات مؤثری را هم انجام دادند ولی بسیاری از این لغات و اصطلاحات بطور رسمی به تصویب فرهنگستان ایران نرسید و تعداد زیادی از آن واژه‌ها در مواردی با اندکی تغییر به شکل سابق خود در زبان محاوره جاری و باقی ماندند.<sup>(۳۹)</sup> از این رو در ادامه گفته‌های خویش به لغات مصوب و غیر مصوب بلدیته اشاره خواهد شد تا مطلب فوق به خوبی روشن و آشکار گردد.<sup>(۴۰)</sup>

## لغات مصوب بلدیته

آب بها به جای حق‌الشرب.

آبیار به جای میرآب [اویار - آب‌بخش - ساقی، «تا کشت تخم مهر تو، یکدم جدا نشد از چمسه سارخون جگر آبیار چشم»].  
آتش‌نشان به جای مأمور اطفائیه (واژه‌های نو).  
آتش‌نشانی به جای اطفائیه [فعل آتش‌نشان]  
آسایشگاه به جای دارالمساکین (سانتوریوم، Sanatorium) [مسکین‌خانه، بینواخانه، بینواکده، نوانخانه].

آیین به جای اتیکت سرمونی تشریفات (Etiquette- Cérémoni)  
[برحسب، آیین‌دانی].

افزارمند به جای کارگر با آلات و افزار [کسی که بتوسط افزار کار می‌کند  
Artisun].

بارکشی تند به جای نقلیه سریع‌السیر<sup>(۴۱)</sup> [حاصل مصدر، عمل  
بارکشیدن].

بارکشی کند به جای نقلیه بطی‌السیر.<sup>(۴۲)</sup>  
بازار = بازار<sup>(۴۳)</sup> [در پهلوی واکار - در پارسی باستان آباکاری. به معنی محل خرید و فروش کالا و خوراک و پوشاک. لغت فرانسه بازار از پرتغالی گرفته شده و پرتغالیان نیز از ایرانیان گرفته‌اند].

بخش به جای ناحیه [ناحیه در فارسی به معانی: والن، کوست، کشور، کرانه، سوی، حوزه نیز آمده است (فرهنگ پهلوی)، فرهنگستان کلمه بخش را به چهار معنی گرفته است (واژه‌های نو).  
برزن به جای ناحیه بلدی (برزن که به معنی محله است و ناحیه که به معنی حوزه است به غلط در شهر استعمال شده).

بن‌بست به جای پس‌کوچه [کوچه سر بسته، کوچه ناگذارده، «شاید افتد گذر بوی تو روزی آن جا کوچه غنچه عجب نیست که بن بست شده است» (از آندراج)].

بهداری به جای صحیه.<sup>(۴۴)</sup>  
بهداشت به جای حفظ‌الصحه صحیه [فرهنگستان در واژه‌های نو کلمه بهداشت را به جای حفظ‌الصحه مصوب نموده].

و اسامی خاص کرده‌اند کلماتی اختیاری شده که اشتباهاتی از لحاظ علمی و تاریخی و جغرافیایی و لغوی [در آنها] دیده می‌شود. مثلاً کلمات سیروس کورش و اکباتان تلفظ یونانی کلمه همدان است و همچنین عیلام که برای یکی از نقاط کشور انتخاب شده از لحاظ علمی و جغرافیایی به آن نقطه که بدان نام داده شده تطبیق نمی‌کند و برای اینکه اشتباهات سابق اصلاح شود و نظایر آن در آتیه تکرار نگردد لازم است که نظر فرهنگستان را در این گونه امور قبلاً جلب و استفسار نمایند. بنابراین قدغن فرمایید دستور ذیل را از این به بعد رعایت نمایند:

۱- کلماتی که تاکنون برای اسامی جغرافیایی و تاریخی و غیره انتخاب شده است صورت آن را به فرهنگستان ارسال دارند که دقت‌های لازم در تصحیح آن به عمل آید.

۲- در آتیه هر وقت کلماتی را بخواهند تغییر دهند پیشنهادهای خود را که اسامی سابق و کلمات جدید و دلایل تغییر و انتخاب آن باشد به فرهنگستان ارسال دارند که با رعایت مناسبات لغوی و تاریخی و جغرافیایی برای تأمین منظور آنها اقدام شود و تا ممکن است برای هر کلمه که تغییر آن در نظر است معادلی انتخاب و پیشنهاد کنند و دلیل لزوم تغییر آن را بنویسند.<sup>(۴۷)</sup>

برای تأمین نظرات رئیس‌الوزرا و حسن وثوق رئیس فرهنگستان وقت، کمیسیونی به ریاست یحیی‌دیا (ناظم‌الدوله) معاون نخست وزیر و در دفتر خود وی و با حضور نمایندگان کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل و موسسه شهرداری و بانک ملی منعقد شد و محمد قوامیان که به نمایندگی از سوی بلدیته تهران در این کمیسیون شرکت کرده بود گزارش خود را برای کفالت کل موسسه شهرداری چنین می‌نویسد:

«... در تغییر و تفسیر منظور اصلی از امریه صادره و معلوم داشتن وظیفه کمیسیون پس از یک سلسله مذاکرات و مباحثات تردید رأی و نظر تولید گردید زیرا جمله مذکور در امریه (موقوف کردن خط و زبان خارجی در مطبوعات اداری و علائم و مصنوعات) از طرفی مقرر می‌دارد که خطوط السنه خارجی از مطبوعات اداری و علائم مربوط به کسب و تجارت و مصنوعات می‌بایستی حذف و موقوف شود در صورتی علائم تجارتي و صنعتی که تاکنون با السنه خارجه به ثبت رسمی رسیده و به دنیا معرفی شده است مخصوصاً تمبر پست تغییرش غیر مقدور خواهد بود زیرا جنبه قانونی دارد و تولید اشکال می‌نماید.

از طرف دیگر زبان خارجی را در مورد فوق‌الذکر موقوف داشتن فرع وضع لغت است که از وظایف مختصه فرهنگستان شناخته شده و آنچه را که تاکنون تغییر داده‌اند در اصطلاحات اداری کاملاً رعایت می‌شود. لذا ریاست کمیسیون مقرر فرمودند رونویس امریه صادره بوسیله آقایان نمایندگان جهت وزارتخانه‌ها و ادارات و مؤسساتی که عضویت در کمیسیون را دارند فرستاده شود. تا:

اولاً- برای تأمین اجرای کامل امریه صادره بنا به تغییر و تفسیری که از منظور آن استنباط نموده‌اند نظریه خود را برای جلسه آتیه... بوسیله نمایندگان خود به کمیسیون اشعار دارند.

ثالثاً- چنانچه اوراق مطبوعات اداری که عبارات لاتینی و غیره برحسب لزوم در آنها ذکر است موجود دارند یک نمونه از هر نوع از آنها با ذکر دلایل و ضرورت تنظیم این طرز اوراق برای کمیسیون بفرستند تا پس

پرستارخانه به جای infirmerie [ مکانی که در آموزشگاهها و سربازخانهها برای پرستاری بیماران است. (واژه‌های نو، ص ۱۸). ]  
 پرورشگاه به جای دارالانعام [ بیخس‌کده ] [ مرحوم دهخدا پرورشگاه یتیمان را به معنای دارالانعام گرفته است ].  
 پوست‌کن به جای سلاخ [ دامکش ]، [ در معنای صفت مفعولی، به معنی دانه مغز از قشر جدا کرده می‌باشد ].  
 پیشه به جای صنف (کسب و حرفه) [ به معنی هنر و صنعت و حرفت هم آمده، «چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس کجا دست حاجت برد پیش کس (سعدی)» ].  
 تیمارستان به جای دارالمجانین: تیمارستان در شهر جندی‌شاپور که از بناهای عصر ساسانیان بود دو موسسه وجود داشت، بیمارستان که به معنی مریضخانه و تیمارستان که به معنی مجنون‌خانه است و دولت وقت موظف بود از مجانین محلی نگهداری نماید یعنی تیمار نماید.  
 تیمارگاه به جای پست امدادی: [ شعبه‌ای از اداره بهداشتی شهرداری است که بیماران فقیر را در آن معالجه نموده، رایگان دارو می‌دهند، یاریگاه ].  
 تیمچه به جای پاساژ [ تیمچه، اسم مصغر به لهجه مرکزی از تیم + چه، کاروانسرای کوچه دارای چند دکان که تاجران در آن داد و ستد کنند (فرهنگ معین) ].  
 چاپ به جای نشریات، طبع = عملی که بواسطه آن می‌تواند نوشته‌ای را زیاد کرد (واژه‌های نو).  
 چاپخانه به جای مطبعه [ دارالطباعة، باسمه خانه، تافتگاه ].  
 چهارراه به جای چهارراه  
 خسته‌خانه به جای Hospice، جایی که ناتوان را در آن نگهداری می‌کنند.  
 خواربار به جای ارزاق [ روزی‌ها - گیره = جیره ].  
 خورده‌باج به جای [ این لغت در متن ناخوانا بود ].  
 خیابان به جای خیابانهای پهن از ۱۲ متر [راه ساخته و بیشتر در میان دو صف درختان، «دل من باغبان عشق و تنهایی گلستانش ازل دروازه باغ و ابد حد خیابانش» (لغتنامه دهخدا)].  
 داروساز به جای دواساز (Pharmacien) [اسم مرکب، داروگر]  
 دایره آمار به جای دایره احصائیه [ دروازه‌های نو، فرهنگستان آمار را به جای احصائیه مصوب کرده است ].  
 دایره رفت و روب به جای دایره تنظیف و تسطیح.  
 درآمد به جای عایدات: [ درآمد به دو معنی: ۱- عایدات، ۲- ورود و دخول (قضایی) ].  
 دربند به جای بند [کوچه‌های پهن و کوتاه، بند، پارسی تازی گشته است].  
 درودگر به جای نجار [ دروگر - کتگر (برهان قاطع) ].  
 دستگیری به جای معاون بلدی.  
 دست‌ورز به جای متصدی کاردستی [ صفت فاعلی مرکب، به معنی صنعتگر، صانع، آنکه با دست کار کند چون سفالگر و آهنگر و مسگر و درودگر، صاحب صنعت دستی ].  
 دست‌ورزی به جای کاردستی (پیشه نمودن کارهایی که با دست انجام داده شود) (واژه‌های نو).  
 دستیار به جای یاری‌کننده - معاون فنی.  
 دفتر به جای کابینه [ به دو معنا: ۱- کتاب و مجموعه ورقهایی که امیران

می‌نویسند. ۲- جایی که دبیران در آن جابه کارهای دفترنویسی می‌پردازند که خارجی آن کابینه و بورو است. مثال: دفتر وزارتی، دفتر پست (واژه‌های نو) ].  
 راه به جای جاده، طریق، شارع Voie [ جای عبور که لفظ عربی ش طریق است در پهلوی رأس، در اوستا ریثیه و در سانسکریت رتهیا بوده (لغت‌نامه دهخدا) ].  
 روشنایی = روشنایی  
 ساختمان به جای معماری [ رازیگری، مهرازی، غلیگری (واژه‌یاب) ].  
 سرآبیار به جای سرمیراب  
 سنگتراش به جای حجار  
 شهر به جای بلد  
 شهردار به جای رئیس بلدیة (رئیس شهرداری).  
 شهرداری به جای بلدیة  
 شیرخوارگاه به جای دارالرضاعه [ موسسه وابسته به دستگاههای شهرداری یا دولتی یا موسسات خیریه که برخی کودکان شیرخوار را در آن نگهداری می‌کنند، (لغتنامه دهخدا) ].  
 قبان‌داری به جای باج‌قبان: قبان، پارسی ترکی گشته، قبان به معنی ترازو، در یونانی نیز قبان است (آندراج) در تازی قبان گویند (فرهنگ عمید) و باج، پارسی تازی گشته است (واژه‌یاب).  
 کارپردازی به جای مباشرت و ملزومات  
 کشتارگاه به جای مسلخ [ درزند (برهان قاطع) ].  
 کوچه به جای خیابانهای کمتر از ۶ متر [ محله و برزن، بعضی معتقدند به معنی برون است که به عرب محله خوانند (برهان قاطع) محله کوچک، برزن (فرهنگ معین) «پس در این کوچه نیست راه شما راه اگر هست، هست آه شما» سنایی.  
 کوره‌پز به جای فخار [ داشگر، فخاری، فخار سریانی تازی گشته است از فخرا، کلال، سفالگر، سفالینه، گل ورزنده (واژه‌یاب) ].  
 کوی به جای خیابانهای ۶ - ۱۲ متر [ کوی راه فراخ را گویند که شاهراه باشد (برهان قاطع)، معروف است که آن سر محله و معبر و در خانه است و کوچه مصغر آن است (آندراج) ].  
 گذر به جای معبر [ معبر سریانی تازی گشته است، گذار، گذرگاه آبی، گذاره (واژه‌یاب) ].  
 گرمابه به جای حمام [ کدوخ - گرمایک - شنیدم که وقتی سحرگاه عید زگرمابه آمد برون با یزید (واژه‌یاب - دهخدا) ].  
 گنجینه به جای صندوق (۴۵) (دروازه‌های نو گنجینه به معنی مخزن کتاب در کتابخانه مصوب شده).  
 گوشت‌فروش به جای قصاب [ شترکش - نای‌نواز - نای‌زن (واژه‌یاب) ].  
 ماما به جای قابله [ به این معنا: پازاج، ژم، ماماچه (ناظم‌الاطباء) پیشدار نیز آمده، امثال: ماما آورده را مرده‌شو می‌برد، (امثال و حکم، ج ۳) (واژه‌یاب) ].  
 مأمور تنظیف به جای رفتگر  
 مسجد به جای مسجد [ مسجد پارسی تازی گشته، مزگت، مسجد از مزکد فارسی گرفته شده (واژه‌یاب) ].  
 مسکین‌خانه به جای دارالمساکین [ بینواخانه، بینواکده ]

میدان = میدان، به معنی میدانهای داخل شهر [ میدان اسم مرکب از می + دان، پسوند ظرفیت، چنانکه گلدان جای گل و شمعدان جای شمع (ناظم الاطباء)، میدان در اصل پارسی بود و اعراب آن را جمع بسته میادین گویند. چنانکه فرمان را فرامین گویند (آندراج) بی شبهه این کلمه فارسی است و دخیل در عربی شده است (لغتنامه دهخدا)].

میرایی به جای دایره میاه [ حاصل مصدر، عمل مباشرت و نظارت بر تقسیم آب. بصورت اسم مرکب: حقی که به جهت تقسیم آب به میرابها دهند].

نام و نشان به جای سجلات - استخدام (نام و نشان در واژه‌های نو به جای سجل مصوب شده).

نانوا به جای خباز [ اسم مرکب نا+ وا پسوند اتصال، نان پان یعنی نان پزخانه از پان = وان (فارسی) (برهان قاطع دکتر معین) «آن نان‌پز را دید خریطه در گردن کرده، چنانکه عادت نانویان است» (تذکره الاولیاء)].

نانواخانه به جای خبازخانه

### اصطلاحات اداری و تشکیلاتی بلدیہ (غیر مصوب)

نوار چسب به جای باندروول (Banderolle فرانسوی).  
نوانخانه به جای دارالعبزه [(حاصل مصدر، مرکب، از نوان به معنی ناتوان و لاغر و ضعیف + خانه، جایی است که از طرف شهرداری، ناتوانان را در آن نگاهداری می‌کنند (لغتنامه دهخدا)].

وارسی به جای ممیزی، رسیدگی کردن به چیز یا به کاری [ ویزیاری، بازدید] [ واریسی به جای استیفاف از لغات قضایی نیز محسوب می‌شود].  
هزینه‌ها به جای مخارج [ بر وزن و معنی خزینه است (برهان قاطع) «اگر دیگران هزینه مال کنند تو خزینه اعمال کن». به معنی خرج هم هست که تقیض دخل باشد (برهان قاطع)].

هنرپیشگان به جای ارباب صنایع ظریفه، جمع، (هنرپیشه مفرد آن خواهد بود)، [هنرپیشه معانی مختلف دارد فرهنگستان آن را به معنی هنرمند به تصویب رساند. «هنرپیشه آن است که فعل نیک سرخویش را تاج خود سر نهد» (ناصر خسرو).

لغات معموله	واژه‌های پیشنهادی	لغات معموله	واژه‌های پیشنهادی
اداره ارزاق	اداره توشه یا روزی	اداره ارزاق	اداره توشه یا روزی
انجمن بلدی	انجمن شهری	انجمن بلدی	انجمن شهری
اداره فنی	اداره هنر	اداره فنی	اداره هنر
باغ ملی	آرام تن یا باغ شهر	باغ ملی	آرام تن یا باغ شهر
پست امدادی	پاسگاه یاری	پست امدادی	پاسگاه یاری
تثاثر بلدی	نمایشگاه شهر	تثاثر بلدی	نمایشگاه شهر
تحصیلدار	پاکار	تحصیلدار	پاکار
تشریفات	پذیرایی	تشریفات	پذیرایی
تعاون عمومی	کمکهای همگانه	تعاون عمومی	کمکهای همگانه
جراح	کارد پزشک	جراح	کارد پزشک
دارالانشاء	نوشتنگاه	دارالانشاء	نوشتنگاه
دایره اطفائیہ	خاموش‌گری	دایره اطفائیہ	خاموش‌گری
دایره جزء و جمع	دایره ریز باج	دایره جزء و جمع	دایره ریز باج
دایره روشنائی	دایره روشنائی	دایره روشنائی	دایره روشنائی
دایره قطیح و تنظیف	دایره هموار کردن و پاکیزگی	دایره قطیح و تنظیف	دایره هموار کردن و پاکیزگی
دایره معماری و ساختمان	دایره دزاری و ساختمان	دایره معماری و ساختمان	دایره دزاری و ساختمان
دایره ممیزی	دایره بازدید	دایره ممیزی	دایره بازدید
دایره مهندسی	دایره اندازه‌گیری	دایره مهندسی	دایره اندازه‌گیری
دایره میاه	دایره آبیاری	دایره میاه	دایره آبیاری
دایه	دایه	دایه	دایه
رئیس ناحیه	برزندار	رئیس ناحیه	برزندار
رسومات	سادمی	رسومات	سادمی
شعبه اصناف	شعبه پیشه‌وران	شعبه اصناف	شعبه پیشه‌وران
شعبه اوزان و مقیاسها و نرخ	شعبه سنگ و اندازه نرخ	شعبه اوزان و مقیاسها و نرخ	شعبه سنگ و اندازه نرخ
لغات معموله	واژه‌های پیشنهادی	لغات معموله	واژه‌های پیشنهادی
شعبه خبازخانه	شعبه خبازخانه	شعبه خبازخانه	شعبه خبازخانه
شعبه سلخ	شعبه سلخ	شعبه کشتارگاه یا درزند	شعبه کشتارگاه یا درزند
صحیبه	صحیبه	دروایاتن درستی	دروایاتن درستی
عمارت بلدیہ	عمارت بلدیہ	کاخ شهر - کاخ زرین (۴۶)	کاخ شهر - کاخ زرین (۴۶)
عمله	عمله	کارگر	کارگر
عوارض	عوارض	باج (۴۷)	باج (۴۷)
عوارض اتوبوس	عوارض اتوبوس	باج اتوبوس	باج اتوبوس
عوارض فخرخانہ	عوارض فخرخانہ	باج کوره‌پزخانه	باج کوره‌پزخانه
عوارض قبان	عوارض قبان	باج قبان	باج قبان
عوارض متفرقه	عوارض متفرقه	باج گوناگون	باج گوناگون
عوارض نمایشات	عوارض نمایشات	باج نمایشات	باج نمایشات
کافه بلدی	کافه بلدی	کافه شهر	کافه شهر
مالیات مستغلات	مالیات مستغلات	ساوکرابه	ساوکرابه
مالیه	مالیه	پیشکاری	پیشکاری
محاسبات	محاسبات	شمار	شمار
مساح	مساح	پیماینده	پیماینده
مستراحهای عمومی	مستراحهای عمومی	آبشنگاه همگانی	آبشنگاه همگانی
مشروب	مشروب	می	می
معاون بلدیہ	معاون بلدیہ	دستیار شهر	دستیار شهر
مقوم	مقوم	سنجش‌ور	سنجش‌ور
ممیز	ممیز	بازسنج	بازسنج
مهندس	مهندس	اندازور	اندازور
وصول حق‌الشرب	وصول حق‌الشرب	بهره آب	بهره آب
گازر بلدی	گازر بلدی	جانثار	جانثار



عمارت دارالمجانین - تهران

اسامی صاحبان حرفه و صنعت، کسب و تجارت (غیر مصوب)

واژه‌های پیشنهادی	اصطلاحات فعلی (معموله)	واژه‌های پیشنهادی	اصطلاحات فعلی (معموله)
معدنچی	کان‌در (۵۰)	کارهای کشاورزی	امور فلاحی (۴۸)
ترکش‌دوز	سراج	برزگر	زارع و رعیت
موم‌ساز - پیه‌سوز ساز	شعاع	شکارگر	شکارچی
می‌ساز	شیرکچی	کشاورز	فلاح
برهوه‌گر	صابون‌بیز	هنر	صنعت
رنگارز	صباغ	اره‌ساز	اره‌ساز
رویگر - سفیدگر	صقار	ژان‌ساز	اسلحه‌ساز
جامه‌دان‌ساز	صندوق‌ساز	تلفون‌کار	تلفونچی
ریسمان‌باف	طناب‌باف	چاخوساز	چاقوساز
روغن‌کش	عصار	بوریا‌باف	حصیرباف
خوش‌بوساز - گلاب‌گیر	عطرگیر	پوستگر	دباغ
	علاقه‌بند	برنج‌ساز - انگازگر	دوانگر
[لغتی پیشنهاد نشده است]	تجارت امتعه خارجه	رزین‌چسبان	رزین‌ساز (سقر)
سوداگری کالای بیگانه	تجارت امتعه داخله	استخراج معادن	کنکاش‌کاد
سوداگری کالای درونی		مهندس و متخصص معدن	ویژه‌کان (۴۹)



## اصطلاحات فعلی (معموله)

## واژه‌های پیشنهادی

## اصطلاحات فعلی (معموله)

## واژه‌های پیشنهادی

تجارت دوا و جوهریان  
تجارت صابون  
تجارت صرافیه  
تجارت ظروف لعابی و فلزی  
طراح  
تجارت فرش و قالی  
تجارت لوازم عکاسی  
تجارت مبیل و اثاثیه  
تجارت نفت و بنزین  
تجارت مواد دهنی  
تمبر فروش  
فلز تراش  
قفل ساز  
قلابدوز  
کارگران کارخانه برق  
لیاف  
لوله ساز  
نساج  
نقره ساز  
ورشو ساز  
**حمل و نقل**  
حمال  
درشکه چی  
شوفر  
طبق کش  
گاریچی و سورچی  
مکاری  
مکانیک چی  
**کسب و تجارت**  
آلات موسیقی ساز  
امانت فروش  
اسلحه فروش  
اطوکش  
بزاز  
بنا  
تجارت آهن و فلزات  
تجارت اجناس ارزاقی  
تجارت اجناس ذریعی  
سمنت ساز  
شیرکخانه  
صحاف  
صراف

سوداگری دارو  
سوداگری برهوه  
سوداگری پول  
سوداگری آوندهای آهاری و توپالی  
[ناخوانا]  
تجارت زیرانداز و قالی  
سوداگری بایست‌های فر تورگری  
سوداگری مبیل و کالای خانگی  
سوداگری نفت و بنزین  
سوداگری مایه‌های چسبی  
تمبر فروش  
توپال تراش  
کلیدان ساز  
[لغتی پیشنهاد نشده است]  
کارگران کارخانه آذرخش  
لبه باف  
ابزار ساز  
بافته  
سیم ساز  
ورشو ساز  
-  
باربر  
راننده گردونه  
راننده ماشینهای بخاری  
خنچه بر  
راننده گاری  
چهارپادار  
مکانیسین  
-  
ابزار نواساز  
سپرده فروش  
ژان فروش  
اتوکش  
پارچه فروش  
زاد  
سوداگری آهن و توپال  
سوداگری کالای توشه و روزی  
سوداگری کالای متری  
سیمان ساز  
میخانه  
رویه گر  
درم‌گزین

طبایخ  
عصا ساز  
عصافروش  
عطر فروش  
عکاس  
عینک فروش  
فرش فروش  
جواهر ساز  
جواهر فروش  
چراغچی  
حریر فروش  
حفاری  
حلواپز  
حمامی  
حلاج  
خرطاط  
خیاط  
دایره ساز  
دگمه ساز  
دلاکی  
دلال  
رزاز  
ساعت فروش  
سلمانی  
سماور ساز  
مطبعه چی  
مقنی  
نقاش  
یراق فروش  
آرتیست و اکتور  
جریده نگار  
طلبه  
قاری  
محرر  
مرشد  
ملا  
**متفرقه**  
سقا  
مریض  
وضیع  
قپان دار  
قناد

پزنده  
استواره ساز  
دست‌واژه فروش  
خوش بوفروش  
فرتورگر-واژون‌گر  
چشمک فروش  
زیرانداز فروش  
گوهر ساز  
گوهر فروش  
چراغیان  
پارچه ابریشمی فروش  
کنده کاری  
شیره واردده پز  
گر مایه دار  
پنبه زن  
چوب تراش  
درزی - جامه دوز  
پرهون ساز  
تکمه ساز  
کیسه کش  
راه نما  
برنج فروش  
گاه نما فروش  
آرایشگاه - آرایشگر  
سماور ساز  
چاپگر  
چاه کن  
چهره نگار  
زردوزی فروش یا زرباف فروش  
بازیگر  
روزنامه نویس  
شاگرد  
قرآن خوان  
نویسنده  
پیر  
پیشوای  
گونانگون  
آبکار  
بیمار  
شیرخوار  
کپاندار  
شیرینی پز

فوقانی ساخته شده بود که در قسمت تحتانی توپها و تجهیزات نگهداری می‌کردند و بخش فوقانی به استراحتگاه نظامیان و توپچی‌ها اختصاص یافته بود. در قسمت غربی میدان علاوه بر حجره‌های ساخته شده دیوار قورخانه شهر و دروازه خیابان مریضخانه نیز وجود داشته و بعدها قسمت شمالی میدان به عمارت بلدیة تهران و قسمت جنوبی به عمارت مخابرات تهران اختصاص می‌یابد. ذاکرزاده، امیرحسین، سرگذشت تهران، تهران، قلم، ۱۳۷۶، ص ۳۸.

۶- شهری، جعفر (شهری‌باف)، تاریخ اجتماعی تهران... همان، ص ۳۴۰.  
۷- برای آگاهی بیشتر در مورد تشکیلات بلدیة تهران ۱۳۰۱ ش. رک: خمسی، فرزاده، اسناد پیرامون شهرداری تهران. همان، ص ۱۰۱-۱۰۸ (سند شماره ۱).  
۸- چند پرده از زندگانی رجال معروف ایران، تهران، انتشارات روزنامه امید، ۱۳۲۴، صص ۸۱، ۸۲.

۹- برای آگاهی بیشتر رک: مجله گنجینه تهران. سند شماره ۱۲، ص ۳۰.  
۱۰- مجله بلدیة، شهریور ۱۳۰۴ ش. شماره ۸، سال چهارم، ص ۴.  
۱۱- خمسی، فرزاده، همان، ص ۱۰۲.  
۱۲- عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹، ج اول، ص ۱۰۷.

۱۳- سالنامه پارس، سال ۱۳۰۷، ص ۱۱.

۱۴- سالنامه پارس، سال ۱۳۰۸، ص ۷۷-۸۲.

۱۵- سالنامه پارس، سال ۱۳۰۹، ص ۱۸۹.

۱۶- برای آگاهی بیشتر رک: مجله گنجینه تهران، ص ۱۰۹، (سند شماره ۲).

۱۷- عاقلی، باقر، همان، ج اول، ص ۱۸۵.

۱۸- همان، ص ۱۹۷.

۱۹- سالنامه پارس، سال ۱۳۱۴.

۲۰- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، (دوره جدید)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۹، ص ۱۲۸۷۸.

۲۱- سیبوی گیلانی، احمد، نامه فرهنگستان، «سابقه فرهنگستان در ایران»، تهران، سال اول، شماره اول، ص ۱۳۸.

۲۲- صفایی، ابراهیم، رضاشاه و تحولات فرهنگی ایران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶، ص ۹۲.

۲۳- بدره‌ای، فریدون، گزارشی درباره فرهنگستان ایران، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۵۳.

۲۴- بدره‌ای، فریدون، همان، ص ۳۱.

۲۵- برای آگاهی بیشتر، رک: به نامه فرهنگستان، تاریخی از فرهنگستان ایران، سال اول، تهران، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۱، ص ۶-۱۲ و همچنین همان، شماره چهارم، سال ۱۳۲۲، ص ۱-۳.

۲۶- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱، تصویر این سند در پایان مقاله درج گردیده.

۲۷- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲، شماره تنظیم ۶-۱۱۰۱۱، شماره پاکت ۸۶، شماره آلبوم ۲-۲۸، همان، سند شماره ۳.

۲۹- سند شماره ۴، همان.

۳۰- اسناد شماره ۵ و ۶، همان.

۳۱- اسناد شماره ۷ و ۸، همان.

۳۲- سند شماره ۹، همان.

۳۳- سقط‌فروش: فروشنده اشیای بیکاره، خرده‌فروش. مشیری، مهشید، نخستین فرهنگ زبان فارسی الفبایی-قیاسی، تهران، سروش، ۱۳۷۱، ص ۵۹۸.

۳۴- سند شماره ۱۰، همان.

۳۵- سند شماره ۱۱، همان.

۳۶- سند شماره ۱۲، همان.

۳۷- سند شماره ۱۳، همان.

۳۸- سند شماره ۱۴، همان.

۳۹- برای نمونه می‌توان از لغات: ژان‌ماز به جای اسلحه‌ساز-کان‌در به جای معدنچی- شکارگر به جای شکارچی- یزنده به جای طباخ- بازسج به جای میز- درودگر به جای نجار- گذرگاه به جای پاساژ- ساو به جای مالیات و ... نام برد که

قهوه‌ساز	قهوه‌ساز
کارت پستال فروش	کارت پستال فروش
کفاش	کفاش
گالش فروش	گالش فروش
لباس شوی	لباس شوی
لحاف فروش	لحاف فروش
لوازم التحریر فروش	لوازم التحریر فروش
لولافروش	لولافروش
لیمونادساز	لیمونادساز
موسسات رهنی	موسسات رهنی
مبل‌ساز	مبل‌ساز
مجسمه‌ساز	مجسمه‌ساز
مذهب	مذهب
مسافرخانه	مسافرخانه
مشاطه	مشاطه
مشروب فروش	مشروب فروش
معمار	معمار
مهندس ساختمانی	مهندس ساختمانی
واکسی	واکسی
<u>مشاغل آزاد</u>	<u>مشاغل آزاد</u>
اهل علم	اهل علم
روضه خوان	روضه خوان
غسال	غسال
قبرکن	قبرکن
مدرس	مدرس
مطرب	مطرب
واعظ	واعظ
ایتام	ایتام
مجنون	مجنون
مسکین- فقیر	مسکین- فقیر

## پی‌نوشت‌ها:

۱- بیات، کاوه، بلدیة نظامی ۱۳۰۱-۱۳۰۴ ش.، گنجینه تهران، دفتر دوم، سازمان اسناد ملی ایران، ص ۱۱.

۲- خمسی، فرزاده، اسنادی پیرامون شهرداری تهران و تشکیلات آن ۱۲۸۶-۱۳۱۵ ش. گنجینه تهران، ص ۱۰۱.

۳- برای آگاهی بیشتر، رک: پاشاالمختاری، تاریخ هفتادساله پلیس ایران، تهران، چاپخانه ارتش، ۱۳۲۶، ص ۲۸-۴۲.

۴- شهری (شهری‌باف)، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم... تهران، رسا، چاپ دوم، ج ۵، ۱۳۶۹، ص ۳۸.

۵- میدان توپخانه از میدانهای قدیمی شهر تهران است که بنای اولیه آن مربوط به سال ۱۲۸۴ ه. ق. است. این میدان در اصل محل استقرار قشون توپخانه دولت بود. در شمال و جنوب و قسمتی از غرب میدان، حجره‌ها و اتاقهایی در قسمت تحتانی و

هیچگاه در زبان عموم تأیید و کاربرد پیدا نکردند.

۴۰ - تمامی واژگان بلدییه (مصوب و غیر مصوب) که در این مقاله بادی از آنها شده است برگرفته از اسناد آرشیو سازمان اسناد ملی ایران است که بیشتر آنها مربوط به کد ۶-۸۱۰۱۱- شماره پاکت ۸۶- شماره آلبوم ۲ می باشند. تعداد دیگری از واژگان مصوب هم مربوط به سندی است از کد فرهنگستان که تصویر آن در انتهای مقاله آمده است. اسناد اندک دیگری که مربوط به این دو کد نبوده اند به کد کامپیوتری و ... که مختص به خود آنهاست ارجاع داده شده است.

۴۸ - فرهنگستان واژه کشاورزی را به جای فلاحه Agriculture مصوب

کرده است (واژه های نو)

۴۹ - کان به جای معدن mine مصوب شده است (واژه های نو).

۵۰ - کانی به جای معدنی مصوب شده و از اصطلاحات زمین شناسی محسوب می شود. (واژه های نو)

- برای بررسی لغات و اصطلاحات بلدییه و پیشه و صنعت و ... از فرهنگهای زیر استفاده شده است. مطالب توضیحی که داخل قلاب قرار گرفته، جزو متن اسناد محسوب نمی شوند:

- برهان قاطع، محمدحسین برهان تیریزی، مصحح، محمد معین، چاپ دوم، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲.

- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- واژه یاب، فرهنگ برابره های پارسی واژگان بیگانه، فراهم آورنده ابوالقاسم پرتو، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳.

- فرهنگ آندراج، تألیف محمد پادشاه متخلص به (شاد) زیر نظر محمد دبیرسیاقی، کتابخانه خیام، تهران، دی ماه ۱۳۳۵.

- واژه های نو تا پایان سال ۱۳۱۹، تهران، انتشارات دبیرخانه فرهنگستان، ۱۳۲۶.

- لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.

- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)، تهران، کتابفروشی بارانی، بی تا.

- ابن خلف تیریزی، برهان قاطع، به قلم محمدعباسی، تهران، موسسه مطبوعاتی فریدون علمی، بی تا.

- عمید، محمد، فرهنگ عمید. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

- فرهنگ پهلوی، بهرام فرهوشی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

۴۱ - سند شماره ۱۵، کد  $\frac{293}{1/15/212}$

۴۲ - سند شماره ۱۶، کد  $\frac{293}{1/15/154}$

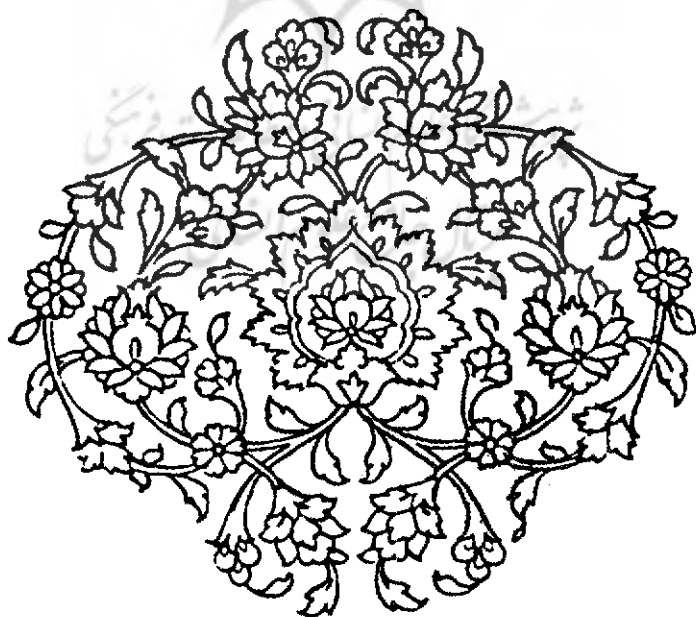
۴۳ - سند شماره ۱۷، کد  $\frac{293}{1/15/149}$

۴۴ - سند شماره ۱۸، کد  $\frac{293}{1/15/161}$

۴۵ - سند شماره ۱۹، کد  $\frac{293}{1/15/274}$

۴۶ - کساح شهر: عمارت مرکزی بلدییه، کساح زرین: هر یک از عمارات بلدییه های نواحی. [توضیح از متن سند].

۴۷ - باج عارض متغیر مخصوص به یک محل است که در تمام کشور متحدالشکل نیست ولی ساو که به معنی مالیات است ثابت است در تمام نقاط کشور [توضیح از متن سند]



مورخه ..... ماه ۱۳۱

نمبره ..... ضمیمه



بلدیة طهران

اداره

دایره

دارالانشاء و کتابخانه

در جواب فرستاده نمره (۴۳) بنام سردار فرزند از صاحبان حرفه و صنعت و کمال  
 نمره (۳۳۹) (۱۱۶۴۸۱) از کتاب شده بود در حجت مذکرات جلد ۶ و ۷ شهر لوله ماه فروردین  
 بانامینده بلدیة بوده به منظور شماره نمره (۲۹) از تاریخ ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲  
 بصطلاحات تغییرات راجحه بکار پوشیده و کلامت در آرد و آنرا در کجا فرزند شهید از فراد کتب  
 و صاحبان شغیر از تحقیقات در زمره نوزده در شماره آن در آرد و آنرا ضمیمه درج گنجینه از  
 یازدهم که در کتابخانه فراد کتب و در ضمیمه این شغیر در پیش منقار لغت موجود است  
 بقید عطا در آید و عطا فرستاده می شود فرزند شهید در کتب خانی در کجا فرزند شهید  
 فرزند شهید در کتب خانی در کجا فرزند شهید در کتب خانی در کجا فرزند شهید  
 در آرد و آنرا در صورتها ضمیمه در آن در کجا فرزند شهید در کتب خانی در کجا فرزند شهید  
 شرح عملیات کسی در آرد و آنرا در کجا فرزند شهید در کتب خانی در کجا فرزند شهید

۵  
 ۱۳۱۱



وزارت داخله

اداره

نمره

متحد المال

مورخه ۱۳۱۹ ماه ۹

۳

۷۳۱۷

لغات راجع بشهر داری (بلدیه) و اسامی جغرافیائی آذربایجان که فرهنگستان ایران بجای لغات سابق اختیار کرده و مورد تصویب واقع گردیده است بشرح ذیل اشعار میدارد .

لغات مربوط به بلدیه (شهر داری)

لغات سابق	لغات جدید	لغات سابق	لغات جدید
بلدیه	شهر داری	پست امدادی	تیمار گاه
رئیس بلدیه	شهر دار	دایره تنظیم و تمطیح	دایره رفت و روب
اتیکت سروونی تشریفات	آئین	روشنائی	روشنائی
دارالایتام	پرورشگاه یتیمان	دامره میناه	میرابی
محلّه	کوری	اطفائیه	آتش نشانی
ناحیه	بخش	معماری	ساختمان
باندردل	نوار چسب	دارالرضاعیه	شیر خوار گاه
باج قبان	قیان داری	دارالمساکین	مسکین خانه
بضخانه بلدی	بیمارستان شهر	حق الشرب	آب بها
سناتور یوم	آسایشگاه	تعاون بلدی	دستگیری
زایشگاه	زایشگاه	معاون فنی	دستار
قابله	ماما	Infirmierie	پرستار خانه
فخار	کوره بز	دارالمجانین	تیمارستان
	خورده باج	Hospice	خسته خانه
	واری		
	نواخانه		



اصطلاحات	دوره های پیشین	اصطلاحات	ملاحظات	دوره های پیشین	اصطلاحات
	رم گزین	صرف			حکاک
	سرداگر کالای سبکانه	تبارت بسته خاجیم			قلهنک
	سرداگر کالای درونی	تبارت بسته دافله			عروسک ساز
	کالای ستری	اجناس زعفر	از لغات عمومی است	عشق سار	قتیقه ساز
		اجناس سق		سرداگر کالای آدخشی	تلفونچی
از لغات عمومی است	سرداگر لغت دهنیزین	لفظ دینیزیم		لند زوگر آدخشی	کارگران کاغذابرق
	سرداگر درود	صرا و جهر است			مهندس برق
	کالای دوشه درونی	اجناس از دانه			II حل نقل
		دغانیته		سکائین	مکانکچی
		بلود آلات		راننده ماشینهای تجاری	شوفر
	آبج و قبال	آبج و قز است			اوداقچی
	سرداگر زربنده زرد و قالی	فرش و قالی		راننده گوجه	گاراشر داسر
		اجناس خزانی		راننده گار	دیرشنگهچی
		قتیقه		چهارپا در	کاریمی و سودچی
		آبوسیل و آلات		بابر	مکادی
		دزین و لاستیک		خنجر بر	جهال
	سرداگر کالای سبک	مواد دهنقی		پیشه و سولگری - بازگانه	طبک کش
	سرداگر کالای سبک	صابون	از لغات عمومی است	بانک	II کسب و تجارت
	سرداگر کالای سبک	ظرف های دهنزی		گردگانه	بانک
	سرداگر کالای سبک	سیر و آناشته			مؤسسات دهننی
	سرداگر کالای سبک	لوزم و کفاسی		سرداگر کالای سبک	تبارت صراف